

## فرصت‌هایی که می‌سوزند

نگاه دکتر مسعود کرباسیان، مدیر عامل سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری تهران، به ساختار تجارت ایران



این روزها در رابطه با بررسی مسائلی همچون عدم تطابق ظرفیت‌ها و ساختار کشور برای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و مشکلات ناشی از آن، مباحثی مطرح است. این مباحث متأسفانه از عدم درک و شناخت کافی این سازمان و توافق نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) نشأت می‌گیرد. نظام تجارت چند جانبه که تحت نام گات شکل گرفت، قدمتی بیش از ۶۰ سال دارد و در این ملت تجارت کالایی بین کشورهای جهان بیش از ۲۰ برابر شده است. نظام تجارت جهانی که از طریق یک سری ادوار مذاکرات تجاری تحت موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت شکل گرفت (مهمترین آنها بین سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۸۶ بود که به نام دور اورگوئه معروف است)، منجر به تشکیل سازمان جهانی تجارت شد و با مذاکرات دور توسعه دوحه ادامه یافت. برخی از مقررات این نظام تجاری، شامل اعطای یارانه، قوانین ضد دامپینگ، سرمایه‌گذاری، سیاست‌های رقابتی، تسهیلات تجاری، شفافیت در خریدهای دولتی، حقوق مالکیت معنوی، محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای کشاورزی و یک سری مسایل تحت عنوان مشکلات کشورهای در حال توسعه در بکارگیری موافقت نامه‌های سازمان جهانی تجارت است.

باید توجه داشت در حال حاضر اعضای این سازمان حدود ۹۵ درصد تجارت جهانی را در اختیار دارند. با توجه به مقررات این سازمان، در موارد استثنا کشورهای عضو می‌توانند تا ۶ برابر به کالاهایی که از کشورهای غیرعضو وارد کشورشان می‌شود تعرفه ببینند. به عبارت دیگر، عضو نبودن در این سازمان به معنی انزوای بین‌المللی و از دست دادن صادرات است.

در این رابطه، باور غلطی که در بین منتقدان وجود دارد آن است که سرچشمه همه مشکلات را زیاده خواهی کشورهای توسعه یافته می‌دانند که قصد دارند منافع کشورهای در حال توسعه را ببینند. این موضوع بیشتر از بی‌حوصلگی منتقدان در مطالعه اسناد بسیار حجیم و گسترده مربوط به جهانی شدن اقتصاد و سازمان جهانی تجارت نشأت می‌گیرد، چرا که کمتر به این موضوع اشاره می‌شود که پذیرش مفاد این تعهدات توسط ۱۵۳ کشور جهان که اکثریت مطلق آنها کشورهای در حال توسعه هستند، سند بی‌اطلاعی این کشورها به موضوع جهانی شدن و جهان خوار بودن کشورهای توسعه یافته است.

در این رابطه، آنچه که درباره کشور ما قابل ذکر و بررسی است آن است که اقتصاد ما تا چه میزان با قوانین حاکم و پذیرفته شده جهانی مطابقت دارد و انحراف و مغایرت ما با این قوانین به چه میزان است. قوانین تجاری ما در عمل، بعضی مواقع انقباضی و بسیاری از مواقع انبساطی است. در بعضی ابعاد، ما بسیار آزادتر از سایر کشورها عمل کرده‌ایم. البته این امر نشان دهنده آن است که در ابعاد تجاری انضباط، یکنواختی و مجموعه برنامه ریزی شده منسجمی در کشور ما وجود ندارد. حداقل فایده‌ای که عضویت در این سازمان بزرگ جهانی برای ما دارد آن است که انضباط را در ابعاد تجاری ما حاکم می‌کند. مسأله دیگر آن است که برخی تصور کرده‌اند عضویت در این سازمان به معنای حذف تعرفه‌ها، سرازیر شدن کالاها از خارج و ایجاد مشکل برای تولید داخل و مسائلی مترتب بر آن است، درحالی که مقررات سازمان جهانی تجارت، کشورها را به شفافیت در مقررات تجاری و تعیین نرخ‌های تعرفه و از بین بردن موانع غیرتعرفه‌ای جهت می‌دهد.

صورت می‌گیرد. آیا در قراردادهای کشور ما چنین روشی حاکم است؟ آیا در برابر کاهش تعرفه‌ها امتیازی از کشور صادر کننده کالا به ایران دریافت می‌کنیم؟ چرا ما تعرفه‌های کشاورزی خود را کاهش می‌دهیم و از هیچ کشوری در این زمینه امتیازی نمی‌گیریم؟ تغییر تعرفه‌ها در کشورها یکسان نیست. کاهش هر یک از تعرفه‌ها با کل تجارت متقابل با کشورهای طرف تجاری مورد مقایسه قرار می‌گیرد تا بتوان توازن تجاری را به نفع خود تغییر داد. چرا چنین کاری صورت نمی‌گیرد؟ چون نگاه ما در اقتصاد ایران، نگاهی درون نگر است، نه نگاهی بین‌المللی. بعد دیگر ماجرا را می‌توان در امتیازات متقابلی که در نتیجه کاهش تعرفه‌ها، کشورهای عضو در سازمان تجارت جهانی برای یکدیگر قابل هستند دید که این امر موجب رشد صادرات این کشورها می‌گردد. ما اکنون فاقد این امتیازات هستیم. اگر می‌توانستیم از این امتیازات استفاده کنیم، قادر بودیم به توسعه صادرات خود مبادرت ورزیم. موضوع دیگر بحث تحریم‌ها است. اگر کشور ما عضو سازمان جهانی تجارت بود، کشوری قادر به تحریم یک جانبه ما نبود.

آیا این درست است زمانی که اکثریت کشورهای جهان از کشورهای راست لیبرال دمکرات گرفته تا کشورهای با اقتصاد بسته تصمیم گرفته‌اند در این باشگاه جهانی عضو باشند تا همگی از منافع آن بهره ببرند، اما ما هنوز در حال بررسی منافع یا مضار ناشی از عضو شدن در آن باشیم؟

### رشد اقتصادی و تجارت

در پاسخ به این سؤالات که آیا تجارت بین‌الملل درباره کشور ما به رشد اقتصادی آن منجر می‌شود یا خیر؟ آیا تجارت به رشد و رفاه جامعه منجر می‌شود یا آزاد سازی در تجارت؟ آیا تجارت برای ما مزیت نسبی ایجاد کرده است یا خیر؟ باید گفت کره جنوبی تا مدت‌ها پیش بزرگترین مزیتش در تجارت برنج بود، اما امروز در نتیجه تجارت آزاد جهانی با خلق مزیت نسبی، به عنوان بزرگترین صادر کننده محصولات الکتریکی و اتومبیل دنیا شناخته می‌شود. همین طور به قول جوزف استیگلیتز، آزاد سازی اقتصادی خود به خود تضمین کننده رشد اقتصادی نیست. هر تجارت بین‌المللی هم متضمن توسعه نیست و باید اتفاقاتی به وقوع بپیوندد تا توسعه و رفاه توسط تجارت تضمین شوند. این اتفاقات حتی می‌توانست با واردات، به توسعه بخش‌های اقتصادی بی‌انجامد. مثلاً در بخش کشاورزی اگر واردات یک محصول منوط به صادرات محصولی دیگر بود، این امر به توسعه کشاورزی بر مبنای مزیت‌ها منجر می‌شد. علاوه بر این، ده‌ها پرسش دیگر در این زمینه مطرح هستند که نتایج منطقی حاصل از آنها، این حقیقت است که نمی‌توان با یک نسخه به بررسی و آسیب شناسی تجارت پرداخت. تجارت بین‌المللی تأثیری مثبت بر رشد و توسعه اقتصادی دارد و آزاد سازی تجاری، میانگین کارایی را در یک کشور بهبود می‌بخشد.

بنابراین، ما نیازمند برنامه توسعه تجارت هستیم. نیازمند بهبود تعامل خود با کشورهای دنیا و در عین حال تدوین سیاست‌های با دوامی برای جذب سرمایه گذار خارجی هستیم. ما باید سیاست‌های ارزی مان را متناسب با سیاست‌های تجاری خود هماهنگ کنیم. همه این موارد را باید در نظر داشت. ■

### قراردادها، تعرفه‌ها، ... و تحریم‌ها

هم‌اکنون در قراردادهای دو جانبه و چند جانبه تجارت بین کشورها مباحثی در رابطه با کاهش تعرفه‌های تجاری مطرح است و این انعطاف در برابر دریافت امتیازات خاص